

علم اصول و کتاب‌های آموزشی

در حوزه نجف

آیت الله سید محمد سعید طباطبایی حکیم

آیت الله سید محمد سعید طباطبایی حکیم از نوادگان مرجع دینی، حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم - قدس سره - است که نزد استادان برجسته حوزه علمیه نجف اشرف درس آموخته و اکنون یکی از مراجع دینی آن سامان و از استادان بارز آن حوزه به شمار می آید. برخی آثار چاپ شده ایشان عبارتند از: *المحکم فی اصول الفقه، الکافی فی اصول الفقه، رساله توضیح المسائل، مناسک الحج، فقه الاستسناخ و فقه الإنترنت*. در دیداری که با ایشان داشتیم، پیرامون سطح علمی حوزه علمیه نجف و متون آموزشی دانش اصول به گفت و گو نشستیم.

پژوهش و حوزه

پژوهش : نظر شما درباره کتاب های درسی علم اصول که در

حوزه های علمیه نجف رایج است چیست؟ نارسایی های آن کدام

است؟

□ بسم الله الرحمن الرحيم. کتاب های درسی، اهمیت بسیاری در فرایند درسی حوزه های علمیه دینی و نیز ساماندهی و ارتقای سطح علمی آن دارند. شماری از کتاب های ارزشمند و دارای اهمیت علمی، دیر زمانی است که مطرح اند و مدار درس و تدریس اصول و فقه و دیگر شاخه های معرفتی، بر آن ها چرخیده است؛ چنان که تأثیری ستودنی در خدمت به حوزه و ارتقای سطح علمی آن داشته اند؛ نیز پدیدآورندگان بزرگوار این آثار، شایسته سپاس بسیار و ثنا و ستایش فراوانند. اما با گذشت زمان و ارتقای سطح علمی حوزه ها و پیشرفت و دگرگونی

آن ها، نیاز به تغییر و تبدیل کتاب های درسی و ارتقای سطح علمی آن ها متناسب با دگرگونی های پیش آمده، احساس می شود تا ضمن گشودن باب آگاهی ها و اطلاعات جدید به روی طلاب، زمینه هضم و درک مطالب را فراهم آورد و طلبه و حوزه ای را که در آن درس می خواند، آماده پیشرفت و ارتقای



سطح علمی کرد. برآوردن چنین نیازی با وضع کنونی حوزه امکان پذیر نیست؛ زیرا غالباً مرکزی قدرتمند که بتواند تأثیرگذار باشد و تحول ایجاد کند، وجود ندارد. اگر برخی اوقات تصمیمی در این باره گرفته شود یا مرجعی بر چنین تصمیمی با فشاری کند، کتاب های جایگزین فراهم نیست. تالیف هایی که در بسیاری از حوزه های علمیه، در سطوح عالی نگارش می یافت - چه به لحاظ روش و تبویب و موضوعات عرضه شده آن ها و چه به لحاظ شیوه عرضه و قدرت بیان و تعبیر - کتاب های درسی نبوده اند بلکه تنها کتاب هایی علمی به شمار می آیند و همخوان با سطح پدید آورندگان آن یا سطح استادانی است که می خواستند افاضاتشان را حفظ و ثبت کنند. در این کتاب ها مطالب علمی و مدخل هایی ژرف و عمیق مطرح شده است؛ اما شیوه بیان آن ها مناسب تدریس نیست. افزون بر این، بسیاری از این عنوان ها و نوشته ها دوره درسی کاملی را در بر نمی گیرند و





چنانچه برخی از این کتاب‌ها شایسته تدریس باشند، در میان تألیف‌های بسیاری که در این زمینه نوشته شده، گمنام مانده و دست‌رسی و اطلاع از آن‌ها - برای نمایان شدن جایگاه مناسب آن‌ها - آسان نیست؛ هر چند که برخی طلاب حوزه خواسته‌اند وضع موجود را تغییر دهند.

بنا به دلایلی که بر شمردم، اندیشه تحول و دگرگونی، نتوانسته است به خوبی در حوزه‌ها مورد بحث و گفت‌وگو قرار گیرد تا بر وضع موجود چیره آید؛ بلکه به سبب بزرگی و اهمیت کتاب‌های معمول حوزوی و عظمت مؤلفان برجسته آن‌ها - قدس الله اسرارهم الزکیة - همچنان وضع گذشته، توانمند باقی مانده است. سخن از نوگرایی و تحول، محدود شده و در تنگنا قرار گرفته و فقط در مناسبت‌های پراکنده مطرح شده است.

از مهم‌ترین کتاب‌های درسی سطح عالی حوزه در موضوع علم اصول، دو کتاب ارزشمند رسائل و کفایه است. رسائل تألیف شیخ انصاری، پرچمدار تحقیق، اصولی‌نوگرا و مؤسس اصول جدید است که به طور مفصل و فراگیر عهده‌دار موضوع قطع، مباحث حجج، اصول عملیه و تعارض است. کتاب دیگر کفایة الاصول تألیف عالم ربانی، محقق خراسانی است که در دو جلد، به اختصار، دوره‌ای کامل و عمیق از مباحث علم اصول را شامل می‌گردد.

این دو کتاب به مشکلات علمی گذشته پرداخته، مطالب جدیدی را در بر داشته و قواعد مهمی را پایه‌ریزی کرده‌اند که علم اصول جدید بر آن استوار است. رسائل و کفایه از لحاظ درسی و علمی، نقش مهم و قابل‌تقدیری در خدمت به حوزه داشته‌اند و مطالب آن دو، در مدت نزدیک به یک قرن و نیم مورد بحث و پژوهش بوده است. پیشرفت و تحول علم اصول در این مدت طولانی به فضل وجود شخصیت‌های پژوهشگری که بروز و ظهور نموده‌اند، نیازمند تدوین کتابی است که جایگزین رسائل و کفایه شود. این کتاب، باید متناسب و همخوان با پیشرفت و دگرگونی‌های خجسته اصولی باشد و بکوشد از جهات منفی این دو کتاب که مهم‌ترین آن عدم عرضه و بیان مناسب مطالب است، برهد. علاوه بر این که کتاب رسائل دوره کامل اصولی نبوده و کفایه نیز دچار

اختصار گویی همراه با پیچیدگی و سختی بیان است.

به نظر ما، حال که قدرتی تصمیم گیرنده در حوزه نیست، موفقیت فرایند «ننویسی» مشروط به عوامل بسیار و راهکارهای پیچیده‌ای است که مشکل می‌توان بر آن‌ها چیرگی و غلبه یافت. مهم‌ترین عامل در این زمینه، خلوص نیت و انجام کار برای خدای متعال است که فیض توفیق و موفقیت از او است؛ زیرا صرف وقت گرانبها به مدت بسیار و تلاش فراوان برای نگارش کتاب، کار آسانی نیست. اگر نگارنده در این کار موفق گردد و کتابش شایستگی تدریس بیابد، هیچ ضمانتی وجود ندارد که به هدف مطلوب برسد و بتواند حوزه را راضی کند تا کتاب را در برنامه درسی بگنجانند و نیازهای موجود را بر طرف نماید.

اندیشه نگارش چنین کتابی - به رغم تمامی موانعی که بر شعرمدیم - در ذهن ما بوده و از خدا مسئلت داریم که به ما توفیق بدهد تا این اثر را در دسترس مشتاقان قرار داده و هر کس بخواهد، از آن سود و بهره جسته و قانع شود. امیدواریم از این راه بتوانیم دین خود را ادا کنیم.

سوال: آیا نگارش کتاب المحکم فی اصول الفقه که دوره‌ای کامل

از درس خارج اصول جناب عالی است، در پیدایش اندیشه تالیف کتابی آموزشی در اصول - به قلم حضرت عالی - تأثیری داشته است؟

□ بلی، بالاترین اثر را در عملی کردن اندیشه تالیف کتابی مطلوب داشته است و پس از تالیف المحکم به آسانی می‌توان آنچه را که مناسب و مورد نیاز طلبه در مرحله سطوح عالی است، از آن برگرفت و به گونه‌ای عرضه کرد که شایستگی تدریس را داشته باشد. البته این کار بر حسب توانمان بوده و امیدواریم در انجامش موفق شویم؛ هر چند که اوضاع سخت و مشکل کنونی مانع دست‌یابی بر این آرزو و هدف گردیده است، در انتظار بر طرف شدن این بحران و فراهم آمدن زمینه آغاز کار برای دست‌یابی به هدف و آرزوی خویشیم. گفتنی است در



اوکین فرصتی که توفیق یارمان شد و فراغ اجباری برایمان پیش آمد، نزدیک به یک چهارم کتاب را آماده کردیم، اما بعداً که امور به حالت طبیعی خود برگشت، مشغله های فراوان و متراکم علمی، دینی و اجتماعی خود را از سر گرفتیم که این امر، ما را از پیشرفت در آماده کردن کتاب، باز داشته است و کار به کندی پیش می رود. امیدواریم به یاری و توفیق و لطف خدای متعال، در زمانی نه چندان دور، کتاب را کامل کنیم.

مزایای کتاب الکافی فی اصول الفقه چیست؟

□ این کتاب، برگزیده مباحث المحکم است و جز در مواردی اندک، تفاوت چندانی با آن ندارد و در بسیاری تعبیرات و بیانات مانند المحکم است. تقریباً یک سوم بیشتر از کتاب رسائل شیخ انصاری است و مطالبی را که رسائل ندارد، مثل مباحث ظهورات لفظی و ملازمات عقلی در بردارد. الکافی دوره کاملی از مباحث علم اصول با دسته بندی و عرضه مطالب و تعبیرات هماهنگ و همگون است. در این اثر کوشیده ایم اصول را از نظریه های کهن و مباحث غیر مفید بپیراییم یا مطالب را مختصر کرده و متناسب با اهمیت آن بحث کنیم. همچنین به مطالب جدید که نتیجه و دستاورد پیشرفت ثمر بخشی است که در مدتی طولانی حاصل شده است، بیشتر پرداخته ایم.

به سبب مزایایی که بر شمردم، مناسب دیدم نام این اثر را الکافی فی اصول الفقه بگذارم؛ زیرا معتقدم این کتاب، با قابلیت های هر طلبه ای که بخواهد در این مرحله موفق گردد، متناسب است.

البته ممکن است اشکالاتی نیز بر این کتاب گرفته شود؛ از جمله: ۱. عمق بحث و دقت ملاحظات؛ ۲. سختی تعبیر و بیان و

ایجاز و اختصار؛ به گونه ای که فراگیری آن، گاه نیازمند تلاشی است که در توان

الکافی فی أصول الفقه

تألیف
المیرزا محمد باقر الطباطبائی الحائری

جزء الأول



بسیاری از افراد نیست .

اما در پاسخ اشکال نخست ، باید گفت : بحث عمیق و ریز بینی ، برای کتابی که می خواهد در مرحله سطوح عالی تدریس شود و طلبه پس از آن ، به بحث خارج وارد گردد ، لازم است ؛ زیرا این کتاب ، دنباله کتاب هایی است که در سطح عالی قرار دارند . در نتیجه باید همچون حلقه ای در زنجیره تکامل بخش علمی باشد ؛ علاوه بر این که باید پاسخگوی بحث و کنکاش نسل های علمی آینده نیز باشد .

ژرف اندیشی و دقت نظر ، امتیاز حوزه های شریف علمی است . حوزه از آزاد اندیشی برخوردار بوده ، دارای فکری اصیل است و مخلصانه به بحث و پژوهش می پردازد تا به شناخت حقیقت دست یابد . ژرف اندیشی ، سبب افتخار و سربلندی است و می باید آن را حفظ کرده ، بالنده اش نمود ؛ زیرا بر ما لازم و واجب است برای شناخت حکم شرعی ، تلاش ورزیم ، توان خویش را به کار گیریم ، امانت علمی را به جا آوریم و به خرد و اندیشه ارج نهیم . اما مبادا به بهانه و انگیزه آسان سازی و دست یابی سریع به مراتبی پنداری ، دچار سطحی نگری و کم مایگی علمی شویم که به تفریط و کم کاری در ادای وظیفه و رسیدن به حکم شرعی خواهد انجامید و موجب از دست رفتن دستاوردهای شگرف و عظیمی خواهد شد که نتیجه چندین سده جدّ و جهد و زحمت و مشقت است . اگر چنین وضعی پیش آید ، حوزه ها مقام و جایگاه علمی والای خود را از دست خواهند داد و خدای ناخواسته به جای این که در راه پیشرفت و تکامل پیش رویم ، تنزّل و افت می کنیم .

در پاسخ دومین اشکال امیدواریم از پیچیده گویی و اضطراب در گفتار ، دور مانده باشیم ؛ اما بحث عمیق ، نیازمند تعبیرهای علمی استوار و غیر مبتذل است . افزون بر این ، انس و الفت طلبه با تعابیر متین علمی ، راه رفته را روی او می گشاید و وی را توانمند می سازد میراث علمی بسیاری را که علمای نیک کردار ما - قدس الله اسرارهم الزکیة - بر جای گذارده اند ، فراگیرد تا هم خود بهره گیرد و هم به دیگران افاده کند و با میراث علمی ناآشنا نباشد و از فواید و ثمراتش محروم نماند .

این اقدامی است که توانسته ایم به اندازه وسع و توان خویش برای خدمت به



حوزه شریف - که افتخار می کنیم منتسب به آنیم - انجام دهیم . امیدواریم توفیق خدمت و کار بیشتری برای حوزه بیابیم و کاری که انجام داده ایم ، موجب تشویق و ترغیب دیگران برای شرکت و همکاری در این گونه برنامه ها شود و بتواند نیازهای دیگر شاخه های معرفت را برآورد . ما دستور و برنامه ای اداری برای خواندن این کتاب (الكافی فی اصول الفقه) نداریم ، بلکه درخواست ما ، آشنایی و توجه بدان است . گرچه در نجف و قم ، افرادی که عمیقاً به فراگیری اصول می پردازند ، این کتاب را می خوانند .

❦ آیا امکان نوآوری در اصول وجود دارد؟ آیا علم اصول موجود

می تواند پاسخگوی مسائل نو ظهور فقهی باشد؟

❑ نوآوری در اصول نیست و اصول ، رهنمودها و راهکارهای کلی را ارائه می دهد که می توان برای مسائل مستحدثه و غیر مستحدثه از آن ها بهره جست .

❦ چه تفاوتی بین اصول های مختصری مثل حقائق الاصول

آیت الله حکیم و اصول های مفصل مانند کتاب شما (المحکم) یا

نهاية الدراية محقق اصفهانی وجود دارد ؟

❑ آیت الله حکیم تصریح دارد که متعرض مطالب استادانش نشده است ؛ زیرا وی اصول را زمانی تدریس می کرد که هنوز میرزای نائینی و آغا ضیا در اصول اثری ننوشته بودند . اگر مقدمه ای را که مرحوم سید یوسف حکیم نوشته است ببینید ، بر این مطلب تاکید می کند که متعرض مطالب اساتیدش نشده است . افزون بر این ، عبارت های آیت الله حکیم در کتاب المستمسک بسیار مختصر است و همین ، باعث شده که کتاب مختصری باشد . ملاحظه می کنید که صاحب کفایه برای عرضه مطالب ، بسیار مختصر گویی می کند و آقای حکیم هم عباراتش را به همان حال آورده است .

ما برای عرضه و بیان مطالب خود ، همچون کفایه و حقائق الاصول عمل کرده ایم ؛ یعنی نخست اصل مطلب را طرح می کنیم ، آن گاه با استدلال و ایراد





 في


 تأليف

 الجزء الثاني


اشکال و پاسخ آن، مطلب را روشن می‌نماییم.
 از این رو، مطالب آن به صورت طبیعی گسترده
 می‌شود؛ اما کتاب محقق اصفهانی (قده)
 دربردارنده مباحث فلسفی و عبارات بسیار
 پیچیده‌ای است که قابل فراگیری نیست.
 درست است که المحکم کتابی شش جلدی و
 بزرگ است؛ اما اگر به مانند چاپ و قطع کفایه
 باشد، ممکن است به چهار جلد برسد.


 بعضی معتقدند که برخی از بحث‌های علم اصول فقط
 ثمره علمی دارد و فاقد ثمره عملی است؛ مثل بحث مشتق و مقدمه
 واجب. نظر شما در این باره چیست؟

□ شاید تقسیم بحث به عملی و غیر عملی درست نباشد؛ زیرا - مثلاً - مقدمه
 واجب بی فایده نیست، بلکه بر عکسش درست است و فایده عملی دارد که در
 المحکم به شکلی مغایر با کفایه مطرح کرده‌ایم. دست یابی به فایده عملی، گاه
 نیازمند فرصت‌هایی است که انسان باید پیش‌تر فرض کند و پس از آن وارد بحث
 شود. بله، اصل مسئله، ثمره عملی زیادی ندارد؛ اما در تفصیل مسئله، آثار
 عملی آشکاری وجود دارد. ما بحث مشتق را در المحکم مختصر نموده و از ذکر
 تمامی تنبیهات مشتق صرف‌نظر کرده‌ایم؛ چون مباحثی غیر عملی است و مطالبی
 فلسفی می‌باشد. چنان‌که مباحث مقدمات علم، موضوع علم و غایت علم را نیز
 به اختصار گفته‌ایم.


 حضرت عالی آثاری را که در بر دارنده مباحثی در فقه «شبهه
 سازی» یا فقه «اینترنت» است، تالیف نموده‌اید. آیا طرح این
 مباحث را در بحث خارج لازم می‌دانید؟

□ فقه شبهه‌سازی و فقه اینترنت، عناوینی هستند که برای اقناع نوگرایان و نو



اندیشان مطرح کرده ایم و مسائل علمی دقیق و عمیقی نیستند.

حوزه علمیه نجف، پیش تر شکوفاتر و ثمر بخش تر بود؛
اما اکنون دچار رکود و ایستایی شده است. ارزیابی شما از وضع
کنونی حوزه نجف چیست؟

□ علت این رکود، وجود مشکلات امنیتی بود که بر ما چیرگی داشت؛ مثلاً هنگام جنگ، آماده شده بودم که درس را بیست روز پس از جنگ شروع کنم؛ اما بیش از یک سال گذشت و درس را به دلیل اوضاع بد امنیتی آغاز نکردم. افزون بر این، زمینه ای پیش آمد که نیاز به تبلیغ را فراهم آورد و بسیاری از اهل علم که مشغول درس و تدریس در حوزه بودند، به مناطق و شهرهای مختلف رفتند؛ چون برای ساماندهی امور نیاز شدیدی بود و مردم می خواستند نظر و رای حوزه را بدانند و بشنوند. البته این وضع گذرا است و با استقرار امور، حوزه به وضع سابق خود بر می گردد. گرچه الان افراد بسیاری در حوزه هستند که صرفاً مشغول دروس سطح اند نه دروس عالی؛ مثل آنچه که در مسجد هندی جریان دارد. همان طور که گفتم این وضع به سبب اوضاع و شرایط امنیتی است. اگر وضع کنونی نبود، درس ها برگزار می شد؛ اما به رغم فشار حکومت پیشین، باز کسانی از اهل معرفت و علم و دقت بودند که با همت و پایداری خود درس های حوزه را استمرار بخشیده اند.

اگر ممکن است قدری از استادانمان به خصوص شیخ
حسین حلی و شیوه ایشان در اصول صحبت بفرمایید!

□ شیخ حسین حلی - قدس سره - از لحاظ ثقل علمی، در طراز اوگ به شمار می آمد، حتی شیخ عباس بن میرزا علی - به نقل از پدرشان - به من گفت: شیخ حسین حلی، بهترین آنان بوده است. وقتی که از ایشان رساله درخواست کردند، گفت: «رساله من وسیلة النجاة است». گفتند: وسیلة النجاة متعلق به میرزا است، نه شما؛ پاسخ داد: «من آن را نوشته ام». چون ایشان بر مطالب و



فتاوی میرزا اشرف داشت . مرحوم آیت الله حکیم بسیار از ایشان تجلیل می کرد . بهره شخصی من از ایشان - به جز درس - مجالس ارشادی و اخلاقی و آگاه بخش ایشان بود . در جنبه علمی ، ایشان همیشه می خواست به کسانی که حاضر بودند ، گرچه کودکی خردسال باشد ، فایده و بهره ای برساند و می کوشید پرسش های متناسب با عقل و خرد هر کس طرح نماید . از همنشینی با ایشان ، بهره بسیاری در فقه و اصول بردم . در تاریخ و اخلاق و لغت تبحر و آگاهی داشت و دائره المعارفی علمی به شمار می آمد که در هر موضوعی برای انسان سودمند بود . هر چند که مانند شیخ آغا ضیا عراقی در پی تنظیم و ساماندهی آموزش نبود ؛ زیرا آغا ضیا در فقه و اصول ممتحص بود ؛ بر خلاف شیخ حسین حلی که دائره المعارف علمی بود و از بحث ها و مطالب گوناگون ، آگاهی داشت .

از خدای سبحان و متعال درخواست داریم به ما و تمامی خدمتگزاران حوزه های شریف علمیه ، توفیق دهد و ما را کمک کند که نیت پاک داشته ، سعی و تلاشمان مخلصانه باشد و در راه علم و عمل ، پایداری داشته باشیم و رابطه خود را با خداوند - جلّ شأنه - محکم تر کنیم ، تا شایسته رحمت و لطف و عنایتش گردیم . نیز از خدای سبحان مسئلت داریم یار و یاور حوزه های شریف بوده ، دست پشتیبانان و یاوران حوزه را بگیرد تا بتوانند وظیفه خود را به گونه ای کامل و به بهترین صورت ادا کنند و مکر خائنان و ستم ظالمان را از حوزه برطرف نماید ، انه ارحم الراحمین و ولی المؤمنین و هو حسینا و نعم الوکیل .

با تشکر از حضرت عالی که وقت شریفتان را در اختیار ما

قرار دادید .

